

عنوان مقاله: بررسی ماهیت و حکم فقهی عاق والدین با توجه به متون فقه‌های شیعه

نام نویسنده: لیلا روان بخش

چکیده

مسئله احسان به والدین و عمل مخالف آن یعنی عاق والدین از مسائل مهم در دین اسلام به شمار می آید، بطوری که بعد از امر به توحید مسئله احسان به والدین و امر به آن مطرح شده است. علی رغم اهمیت این مسئله بسیاری اوقات از این امر مهم غفلت می شود. فلذا بررسی ماهیت عاق والدین و حکم فقهی آن اهمیت بسزایی دارد. آنچه در این مقاله و پژوهش مورد دقت نظر و توجه قرار گرفت، تعیین حدود و اثرات عاق و حکم فقهی آن با استفاده از بررسی آیات و روایات بود. آنچه در این پژوهش به آن دست یافته شد این است که عاق والدین اثرات سوء بسیاری دارد و این آثار تنها مختص به زمان حیات والدین نمی باشد و حتی بعد از حیات ایشان نیز باید حقوقشان رعایت شود. همچنین بعد بررسی مصادیق گفتاری و رفتاری عاق، معلوم شد که حکم فقهی آن در تمام مصادیق از پایین ترین مصداق تا بالاترین مصداق عاق والدین حرمت بوده و باید از آن اجتناب کرد.

واژگان کلیدی: حکم فقهی، عاق، عاق والدین، ماهیت، والدین

مقدمه

دین مبین اسلام دینی است کامل که بر تمام جنبه های زندگی بشر توجه دارد یکی از این امور برّ به والدین است و کسی که از این امر مهم غافل بماند یا برخلاف آن عمل نماید مورد عاق والدین قرار گرفته و در دنیا و آخرت دچار عذاب الهی می گردد به این صورت که در دنیا سبب خواری و نداری فرد و عدم استجابت دعای او و ... و نیز در آخرت، موجب عدم استشمام بوی بهشت، عدم امان از عذاب الهی و ... می شود؛ با توجه به این مطالب، نظرات مختلفی درباره تعیین حدود عاق و ماهیت آن از سوی فقها ارائه شده است که نیازمند دقت نظر و بحث پیرامون این مسئله مهم می باشد.

شناخت ماهیت عاق، علاوه بر اینکه سبب پرهیز از انجام این گناه کبیره می شود در به انجام رساندن تکلیف الهی مبنی بر برّ به والدین و عدم ظلم به آنان ما را کمک کرده و از امور لازم و ضروری است.

هدف از تدوین این مقاله شناخت مصادیق عاق والدین و بررسی موارد و حدود آن می باشد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش این است که معنا و ماهیت عاق با توجه به آیات و روایات و حکم فقهی فقهای شیعه پیرامون این مسئله چیست؟

این مقاله در دو عنوان اصلی و چهار عنوان فرعی تنظیم شده است:

۱- بررسی مفهوم و ماهیت عاق

۱-۱: عاق در زمان حیات والدین

۱-۲: عاق بعد از حیات والدین

۲- بررسی مصادیق عاق و حکم فقهی آن

۲-۱: بررسی مصادیق گفتاری عاق والدین و حکم فقهی آن

۲-۲: بررسی مصادیق رفتاری عاق والدین و حکم فقهی آن

۱- مفهوم و ماهیت عاق والدین

مفهوم عاق:

اولین و قدیمیترین لغتنامه ای که ریشه عاق (عقق) را بررسی کرده است خلیل بن احمد فراهیدی است، که اصل این ماده را به معنی شکافتن و قطع کردن میداند « اصل العق الشق »^۱.

همچنین خود ایشان واژه ی عاق را در کنار والدین استعمال کرده و عاق والدین را به معنای قطع و ایجاد شکاف و جدایی با آنها معنا کرده است. بنابراین قطع و شکافی که ایشان بیان کرده اند قطع فیزیکی و یا قطع مطلق ارتباط نیست؛ زیرا ایشان مخالفت با پدران را نیز سبب عاق دانسته اند ایشان همچنین عاق را در مقابل بر آورده اند.^۲

لغت نامه ی دیگری که به بررسی معنای این واژه پرداخته کتاب الجیم نوشته ی شیبانی است که ماده عقق را به معنای انشقاق می داند. واژه انشقاق نیز به معنای شکافته شدن ترک برداشتن پراکنده شدن و شکافتگی است.^۳ بسیاری دیگر از لغت نامه ها نیز به همین معانی اشاره کرده اند.

پس آنچه می توان از معنای ریشه عاق برداشت کرد، شکافتن شکاف برداشتن، قطع کردن یا جدا شدن و همچنین هرآنچه مخالف بر می باشد است؛ که تمام این معانی به معنی "جدایی" بر می گردد.

مفهوم والدین

کلمه والدین در اصل به معنی دو "زاینده" بوده و تنها بر پدر و مادر صلبی اطلاق می شود، که نطفه فرزندان از آن ها تشکیل شده است.^۴

^۱ فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۱، ص ۶۳

^۲ همان، ص ۶۳

^۳ شیبانی، اسحاق بن مرار، کتاب الجیم، ج ۲، ص ۲۲۶

^۴ رستگار، علی اکبر، لغت نامه قرآنی سلام، واژه والدین

لازم به ذکر است که والدین ممکن است علاوه بر پدر و مادر نسبی شامل حضرت رسول (صلی الله علیه و اله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام)، استاد پدر و مادر سببی مادر رضاعی نیز باشد و حکم عاق شامل آنها نیز شود؛ اما همانطور که در آیه شریفه ی «... و بالوالدین احسانا...»^۱ روشن است ظاهر آیه بر پدر و مادر نسبی دلالت دارد.

علامه طباطبائی در کتاب شریف المیزان در تفسیر آیه ۲۳۳ سوره بقره که خداوند متعال می فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ...»^۲ گفته اند، بین "والد" و "اب" و "و" والده "و" ام "تفاوت وجود دارد؛ کلمه "ام" اعم از "کلمه" والده "است، هم چنان که کلمه "اب" اعم از کلمه "والد" است و کلمه "ابن" اعم از "ولد" است^۳. بنابراین معنای موردنظر برای والدین در این آیات، تنها مربوط به احسان به والدین نسبی می باشد.

۱-۱: عاق در زمان حیات والدین

عاق از نظر دستوری اسم فاعل بوده و در مورد شخصی به کار می رود که به والدین خود نیکی نکند و یا آنها را مورد اذیت و آزار قرار دهد^۴.

نکته دیگر در این باب این است که به شخصی که احسان و برّ نسبت به والدین نداشته و یا قطعه احسان نسبت به آنها داشته باشد عاق می گویند، برخلاف تصور عامه مردم که عاق والدین را نفرین شده از سوی والدین می دانند^۵.

اسلام عاق والدین را یکی از گناهان دانسته و در روایات بسیاری به عنوان یکی از گناهان کبیره شمرده شده است، تا جایی که گناه آن در بعضی روایات در حد کفر دانسته شده است^۶. در روایتی از امام صادق

^۱. بقره: ۸۳؛ نساء: ۳۶؛ انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۲۳.

^۲. بقره: ۲۳۳.

^۳. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۲، ص ۲۳۹.

^۴. رضوان فر، احمد، توصیه های پیامبر به خانواده، ص ۳۰.

^۵. مدرسی یزدی، محمدرضا، بررسی گستره فقهی غیبت، ص ۶۴.

^۶. گروه نویسندگان، زندگی نامه و رساله ۲۸ مرجع، ج ۲، ص ۳۱۲۶.

(علیه السلام) نقل شده است که ایشان فرمودند: «گناهان کبیره هفت عدد است: ...، رفتار بد و عدم نیکی با پدر و مادر»^۱

همچنین عاق والدین از علائم آخر الزمان دانسته شده است و در حدیثی آمده که «... خواهی دید که عاق والدین بودن رواج یافته و پدر و مادر سبک شمرده می شوند»^۲

در آیات و روایات تاکید بسیاری بر مسئله برّ و احسان به والدین و پرهیز از عاق آنان شده است به طوری که در قرآن کریم مسئله احسان به والدین در آیاتی متعدد بیان شده که جمله ی «و بالوالدین احسانا» نکته کلیدی در آنهاست. نکته قابل توجه در این باره، اطلاق این آیات است که اولاً احسان به والدین شامل هر نوع احسانی می شود بدون هیچ قیدی؛ و ثانياً والدین، شامل والدین مسلمان و کافر می باشد، بطوری که طبق روایتی از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) ایشان فرمودند: «از پدر و مادر خود اطاعت کن اگرچه کافر باشد»^۳ همچنین امام صادق علیه السلام یکی از اموری که شخص باید همیشه آنها را انجام دهد نیکی به پدر و مادر دانسته اند چه نیکوکار باشند و چه بدکار^۴.

احترام و نیکی و جلب رضایت والدین تا آنجا اهمیت دارد که اسلام برای بدست آوردن دل ایشان، تملق را جایز می داند؛ در حالی که در عموم موارد تملق از امور مذموم و ناپسند شمرده شده است؛ پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) در این باره فرموده اند: «تملق گفتن جز از پدر و مادر و پیشوای عادل روا نباشد»^۵

برتری برّ و احسان به والدین از دیگر اعمال، آنجا روشن می شود که در قرآن کریم بعد از پرستش خداوند متعال مسئله احسان و نیکی به والدین مطرح شده است. «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۶

در صحیفه سجاده - که یکی از منابع غنی شیعه از لحاظ دارا بودن مضامین عالی و والای عرفانی، اجتماعی، اخلاقی و غیره است - امام سجاد (علیه السلام) از خداوند درخواست میکنند که در مورد شناخت و ادای حقوق والدین او را یاری فرماید. درخواستهایی که ایشان در مورد حقوق والدین دارند، در واقع چراغ راه و راهنمایی برای شیعیان ایشان در ادای حقوق والدین می باشد. ایشان در دعای ۲۴ صحیفه که

۱. طوسی، محمد بن الحسن، «تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۵۰

۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹

۳. شعبری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ۸۴

۴. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۹

۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۱۲۴

۶. نساء: ۳۶

آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) می فرمایند : «اطاعت از والدین واجب نیست، لیکن اذیت کردن آنها حرام است، مگر در انجام واجبات و ترک محرمات».^۱

آیت الله مکارم شیرازی (مد ظله العالی): «هر گاه هر کاری که موجب اذیت والدین شود به معنای عاق والدین است، مگر مواردی که تکلیف واجب یا حرامی باشد که به انسان دستور مخالف آن را بدهند».^۲

آیت الله میرزا یدالله دوزدوزانی (ره): «عاق والدین به دو امر محقق می شود: الف: به قصد اذیت کردن پدر و مادر کاری را انجام دهد، ب: بدرفتاری که موجب اذیت پدر و مادر باشد ولو بدون قصد اذیت».^۳

بسیاری دیگر از مراجع نیز اذیت و آزار والدین را چه اذیت و آزار گفتاری باشد و چه رفتاری حرام می دانند. نکته مشترک در همه ی این فتاوا این است که اطاعت از والدین تا آنجایی واجب می باشد که سبب انجام کار حرام و یا ترک کار واجبی نباشد.

۲-۲: بررسی مصادیق رفتاری عاق و حکم فقهی آن

۱. «کشتن والدین»: پیامبر (صلوات الله علیه و واله و سلم) بیان می دارند که بالاتر از هر عقوقی، یک عقوق دیگر است تا جایی که شخصی پدر و مادر خود را می کشد و با انجام آن، عقوقی بالاتر از آن نمی باشد.^۴ بر طبق این سخن بالاترین مرتبه عاق والدین کشتن آنها می باشد.

۲. «بد نگاه کردن به والدین»: به فرموده امام صادق (علیه السلام)، نگاه نفرت آمیز و با کینه به والدین حتی اگر آنها نیز به شخص ستم کرده باشند، سبب عدم پذیرش نماز فرد می شود؛^۵ و همچنین در حدیثی دیگر از ایشان بیان شده که تیز نگاه کردن و با خیره نگاه کردن به والدین از مصادیق عاق است.^۶

۱. حق شناس، حمیدرضا، اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه، ص ۵۸

۲. مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ص ۵۲۶

۳. دوزدوزانی تبریزی، میرزا یدالله، رساله توضیح المسائل، ص ۳۱۳

۴. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۲۲

۵. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۳۳۲

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۸

۳. «محزون و ناراحت کردن والدین»: پیامبر (صلوات الله علیه و آله) در فرمایشی به حضرت علی (علیه السلام)، محزون و غمناک کردن والدین را از مصادیق عاق شمرده اند.^۱ همچنین امام صادق (علیه السلام) محزون کردن والدین را از مصادیق عاق برشمرده اند.^۲

۴. «سرکشی و نافرمانی»: امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بدترین فرزندان را کسانی دانسته اند که نسبت به والدین خود سرکشی و نافرمانی کند.^۳

۵. «عدم احترام به والدین آن طور که مستحق آن هستند»: پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حدیثی، عاق والدین را کسی معرفی کرده اند که وقتی پدر و مادر را ببیند آنچنان که حق آنهاست به آنها احترام نمی گذارد.^۴

حکم کلی مراجع نسبت به مصادیق رفتاری عاق والدین این است که اگر شخص پدر و مادر خود را ناراحت کند، یا هنگامی که آنها در معیشت خود فقیر هستند نفقه آنها را پرداخت نکند، گناه بزرگی مرتکب شده است. همچنین ایشان غصب کردن مال پدر و مادر را علاوه بر این که عاق والدین و گناه کبیره دانستند، آن را حق الناس نیز برشمرده اند.^۵ بنابراین حکم کلی عاق والدین چه از نظر مصادیق گفتاری و چه رفتاری این است که هر کاری که موجب آزار و اذیت آنها شود، عاق محسوب شده و حرام است؛ همچنین آنچه از آیات و روایات فهمیده می شود این است که عدم احسان به والدین و ادای حق آنها نیز واجب دانسته شده و ترک آن حرام است.^۶

۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۶۰

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۶

۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۸، ص ۵۶۸

۴. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۳

۵. گروه نویسندگان، زندگینامه و رساله ۲۸ مرجع، ج ۲، ص ۳۱۲۶

۶. دستغیب شیرازی، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۱۲۱

نتیجه گیری

آنچه از این پژوهش به دست آمد در وهله اول حرمت و کبیره بودن عاق والدین، و در وهله دوم، شناخت مصادیق آن بود. که با توجه به آیات و روایات حدود کامل عاق والدین مشخص شده و فرد می تواند با استفاده از این آیات و روایات به مصادیق و حدود آن آگاهی پیدا کند. بنابراین آنچه از این پژوهش به دست آمده این است که انجام هر کاری که سبب آزار و اذیت والدین باشد ولو بدون قصد آزار و اذیت باشد، عاق والدین محسوب می شود؛ و نکته دیگر اینکه، برخلاف آنچه در نظر عرف جامعه است، عاق والدین، نفرین والدین در حق فرزند نیست، بلکه خود فرزند با انجام مصادیق عاق و قطع احسان به والدین، سبب عاق والدین می شود.

منابع تحقیق

۱. قرآن کریم

۲. صحیفه سجاده

منابع فارسی:

۳. اسلامی، علی، ترجمه تحریر الوسیله، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ هـ.ش.

۴. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: بی تا، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ هـ.ش.

۵. حق شناس، حمید رضا، اخلاق اجتماعی در صحیفه سجاده، تهران: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸ هـ.ش.

۶. خرسند، مجید، گناهان کبیره، قم: ظهور، چاپ اول، ۱۳۹۴ هـ.ش.

۷. دستغیب شیرازی، عبد الحسین، گناهان کبیره، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۹ هـ.ش.

۸. دوزدوزانی تبریزی، میرزا یدالله، رساله توضیح المسائل، بیجا: همراز قلم، ۱۳۹۵ هـ.ش.

۹. رستگار، علی اکبر، لغت نامه قرآنی سلام، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۹۵ هـ.ش

۱۰. رضوان فر، احمد، توصیه های پیامبر به خانواده، تهران: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶ هـ.ش.

۱۱. گروه نویسندگان، زندگی نامه و رساله ۲۸ مرجع، اصفهان: واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای اصفهان، ۱۳۹۲ هـ.ش.

۱۲. مدرسی یزدی، محمد رضا، بررسی گسترده فقهی غیبت، قم: کریمه اهل بیت، ۱۳۹۱ هـ.ش.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۹۲ هـ.ش.

۱۴. -----، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب السلامیه، ۱۳۸۰ هـ.ش.

۱۵. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، قم: موسسه مطبوعاتی ایرانیان، ۱۳۸۳ هـ.ق.

منابع عربی:

۱۶. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ هـ.ش.

۱۷. -----، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ هـ.ق.

۱۸. -----، من لا یحضره الفقیه، قم: بی جا، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.

۱۹. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - القدیمه)، قم: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ هـ.ق.

۲۰. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ هـ.ش.

۲۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۱۰ هـ.ق.

۲۲. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، مترجم: رضائی، سید عبد الحسین، تهران: دار الکتب اسلامیه تهران چاپ سوم، ۱۳۷۷ هـ.ش.

۲۳. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف: مطبعه حیدریه، چاپ اول، ۵۰۸ هـ.ق.

۲۴. شیبانی، اسحاق بن مرار، کتاب الجیم، قاهره: الهيئة العامة لشئون المطابع الاميرية، چاپ اول، ۱۹۷۵ م.
۲۵. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان- بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ هـ.ق.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران: بی تا، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۸. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام أمير المؤمنين علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۲۹. قمی، عباس، سفینه البحار، قم: اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: بی تا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۳۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ هـ.ق.